

## واکاوی قتل های خانوادگی با تاکید بر نظریه معاشرت های ترجیحی ساترلند

نام و نام خانوادگی نویسنده اول:

معصومه جلیلی جتانی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

### چکیده

قتل های خانوادگی از جمله معضلات بسیار مهم و بزرگی هستند که در یک جامعه ممکن است رخ بدهد زیرا خانواده از جمله مهمترین و پایه ترین نهاد یک زندگی است و به عبارتی می توان گفت که خانواده نقش مهم و بسزایی در شکلگیری و رشد یک جامعه دارد و به عهر میزان که سطح آرامش ، رفاه ف آزادی ، سواد در یک خانواده بالاتر باشد قطعاً خروجی آن خانواده که رشد و تربیت فرزندان است نیز بهر خواهد بود و به مراتب جامعه سالم تر و به دور از بزه و جرم خواهد بود ف قتل های خانوادگی از جمله جنایاتی است که توسط یک یا چند نفر از اعضای خانواده علیه یک یا چند نفر دیگر از اعضای خانواده به وقوع می پیوندد که دلایل متنوعی در آن ممکن است وجود داشته باشد من جمله ، فقر ، اعتیاد ، بزهکاری ، تربیت اشتباه فرزندان ، فرهنگ های غلط و اشتباه مسائل ناموسی و جنسیتی و.... که در این پژوهش در صدد شناخت و واکاوی عوامل ، دلایل ، ریشه ها و زمینه های این دسته جرایمو همچنین ارائه راهکارهای مناسب جهت جلوگیری از ارتکاب این جرایم می باشیم . ساترلند از نظریه پردازان و دانشمندان علم جزا و جرم شناسی می باشد وی در نظریه معاشرت های ترجیحی به بررسی تاثیر ارتباط با دیگران و معاشرات با دیگران در جهت ارتکاب جرم می پردازد در این پژوهش در صدد شناخت قتل های خانودگی و سپس تاثیر معاشرت با دیگران در ارتکاب این دسته از جرایم علیه اعضای خانواده می باشد و این که راستی آزمایی کنیم که آیا مطابق با نظریه معاشرت های ترجیحی با دیگران می تواند زمینه ساز ارتکاب قتل های خانودگی باشد یا خیر. در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای مبادرت به گردآوری داده ها نموده این به این صورت که با مراجعه به کتب ، مقالات ، پایان نامه ها داده های خود را گردآوری نموده ایم و سپس چک لیستی از داده ها را تهیه نموده ایم و آن ها را با روش توصیفی -تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم.

**واژگان کلیدی:** قتل ، معاشرت های تدریجی ، ساترلند ، واکاوی ، سیاست های جنایی

## مقدمه

قتل‌های زناشویی و فامیلی مهمترین انواع قتل‌های خانوادگی می‌باشند. لازم به ذکر است که، در اختلافات خانوادگی منجر به قتل اکثر مقتولین زنان می‌باشند. خشونت خانوادگی رایج‌ترین خشونت بر علیه زنان است که گاهی این خشونت به قتل زوجه و در موارد کمتری به قتل زوج منجر می‌شود. خشونت خانوادگی، در تمام مناطق جغرافیائی در میان تمام گروه‌های دینی، نژادی و تمام سطوح تحصیلی، شغلی، اقتصادی و اجتماعی مشاهده می‌شود. زوج بعد از ارتکاب قتل اغلب به دلیل زندگی زناشویی و رابطه احساسی دچار عذاب وجدان می‌شود. این گونه قتل‌ها بدلیل خدشه دار کردن افکار عمومی، جامعه و همچنین آسیب‌های که در این شرایط به کودکانشان وارد می‌شود، غیر قابل جبران می‌باشد. معمولاً این گونه قتل‌ها در مناطقی اتفاق می‌افتد که اعتقادی به گفتگو مسالمت آمیز برای حل مشکلات ندارند و مرد سالاری در این خانواده‌ها بیشتر دیده می‌شود. در مناطقی از کشورمان ازدواج ناخواسته و اجباری دختران وجود دارد، که در بعضی از مواقع یکی از عوامل بزه‌دیدگی، فرار از کانون خانوادگی و خودکشی و خیانت این زنان در آینده می‌باشد. اختلاف سنی غیرمتعارف میان زن و شوهر در بعضی از مناطق می‌تواند مشکلات زیادی را در خانواده به وجود بیاورد. این اختلاف سنی در صورت تبدیل شدن به روابط آزاد طرفین با دیگران خارج از علقه زوجیت می‌تواند موجبات مرگ زوجه را به دست همسر فراهم کند. متأسفانه در کشورمان با ترویج فرهنگ غربی که منجر به تغییر سبک زندگی اشتباه در جامعه شده که باعث فساد اخلاقی، عدم پایداری زوجین به اصول اخلاقی، عدم عشق و علاقه به خانه و خانواده می‌شود که در نهایت منجر به طلاق و از هم‌پاشیدگی خانواده و خشم طرفین و در نهایت قتل همسر می‌شود. عوامل اقتصادی، بیکاری و عدم امکان پرداخت نفقه به همسر، سکونت در مکانهای جرم‌زا و معاشرت با افراد ناباب، حاشیه‌نشینی دیدن مداوم صحنه‌های قتل و خونریزی، فشارهای روحی، نداشتن امید به زندگی، ترویج غم‌وغصه به ویژه در شرایط فقر مالی، درصد بالای خشونت‌های خانوادگی و قتل‌های خانوادگی را به دنبال دارد. متأسفانه علل افزایش و تقاضای طلاق از طرف زوجه در بعضی از مناطق باعث خشونت‌های خانوادگی و انگیزه محکم قتل از جانب زوج می‌باشد. نکته‌ای مهمی که وجود دارد این است که در استانهایی که امکان طلاق آسانتر است و زنان می‌توانند به راحتی تقاضای طلاق کنند، یکی از دلایلی است که می‌تواند عامل بازدارنده برای وقوع جرم همسرکشی باشد. لازم به ذکر است که زنان نیز ممکن است شوهرانشان را به دلایل مختلفی به قتل برسانند. در بعضی از مناطق با افزایش مرد سالاری که باعث خشونت و محدودیت بسیار برای زوجه می‌باشد، که در این وضعیت خاتمه دادن همسر آزاری می‌تواند یکی از قوی‌ترین انگیزه‌های احتمالی زوجه برای قتل زوج باشد. در واقع باید گفت بین همسرآزاری و همسرکشی ارتباط وجود دارد. ریشه‌های همسرآزاری علاوه بر اختلاف روحی و روانی زوجین، فشارهای مالی و اجتماعی نیز می‌تواند باشد. در مواقعی نیز علل قتل خانوادگی تجاوزات می‌باشد، که حتی ممکن است از طرف محارم انجام شود.

. لازم به ذکر است که، به نظر ساترلند جرم زمانی رخ می‌دهد که موقعیت مناسب آن برای عامل رفتار فراهم شود براساس این نظریه فرایندی که به بزهکاری می‌انجامد به قرار زیر است عمل مجرمانه آموختنی است نه موروثی یعنی تا فرد آن را نیاموزد به فکر انجام آن نمی‌افتد. آموزش از طریق ارتباط فرد با سایر افراد انجام می‌گیرد و عموماً بصورت شفاهی و به کمک کلمات است و گاهی از طریق حرکات چهره و قیافه است بخش اعظم آموزش رفتار بزهکارانه در گروه‌های نزدیک که با فرد روابط صمیمانه دارند انجام می‌شود. آموزش عمل مجرمانه مراحل مختلفی دارد فنون ارتکاب جرم که گاه پیچیده و گاه ساده است جهت دادن به انگیزه‌ها، گرایش‌ها، کشش‌های درونی و توجیه عمل مجرمانه کسب انگیزه‌ها و میل به ابزار کشش‌های درونی آموختنی است زمانی فرد به

رفتار بزهکارانه دست میزنند که آمیزش او با کسانی که موافق شکستن قاعده اند بیشتر از کسانی است که با شکستن قاعده مخالفند. ارتباطات گوناگونی که فرد با دیگران دارد از لحاظ فراوانی، تداوم، تقدم سن و شدت یکسان نیستند. فرایند کسب رفتار مجرمانه در ارتباط با الگوهای مجرمانه و غیرمجرمانه همان مکانیزمی را طی می کند که در یادگیری سایر رفتارهای اجتماعی مشاهده می شود. درحالیکه رفتار بزهکارانه نیازها و ارزش های کلی و عام شخص را بیان می کند اما توسط آنها ایجاد نمی شود زیرا رفتار غیرمجرمانه هم بیان همان نیازها و ارزشهای عام است. ساترلند اصطلاح ناهماهنگی میان عناصر ساخت اجتماعی را مطلوب نمی داند و بجای آن نسبیت ساخت اجتماعی را ترجیح می دهد و منظور او این است که جرم ریشه در سازمان اجتماعی دارد و بیانگر سازمان اجتماعی است. در راستای توسعه و پیشرفت جوامع، نهادهای کنترل کننده نیز باید پیشرفت کنند و لازم است، قوانینی که در گذشته وضع شده و دیگر اثر و کارایی لازم را در جامعه ندارند، کنار گذاشته شوند، در این شرایط می توان با وضع قوانینی که پژوهش های زیادی در مورد آن صورت گرفته و مورد حلاجی بسیاری از حقوقدانان قرار گرفته و همچنین می توان با بهره گرفتن، از علوم دیگر مثل جرم شناسی در جهت ارتقا کیفیت قوانین جدید استفاده کرد. در نهایت لازم است بیان کنم که در این پایان نامه قتل های ناموسی با توجه به نظریه معاشرت های ترجیحی در مناطق مختلف کشورمان به طور کامل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### روش تحقیق

در این پایان نامه به بررسی قتل های خانوادگی با تاکید بر نظریه معاشرت های ترجیحی ساترلند پرداخته خواهد شد. روشی که نگارنده در پایان نامه خویش بکار خواهد برد بر اساس منابع کتابخانه ای بوده، بدین تفصیل که نخست از طریق منابع و مآخذ راجع به موضوع انتخابی را اعم از کتب و مقالات حقوقی قوانین و آراء دکترین حقوقی موضوعه ایران و جرم شناسی استفاده گردیده و پس از مطالعه و یادداشت برداری از حیث تعیین درجات آنها از حیث منابع و سوابق مسئله مذکور فراهم و سپس مبادرت به نگارش این تحقیق خواهد نمود.

### جامعه آماری:

نمونه آماری، حجم نمونه و روش نمونه برداری:

ابزارهای پژوهش: معرفی، روش اجرا، نمره گذاری، اعتبار و روایی مؤلف ابزار، پژوهش های خارجی و داخلی

### روش تحلیل داده ها:

شیوه مورد استفاده نگارنده در این پایان نامه استقرائی بوده و بعد از مطالعه و جستجو در کتب مربوطه موضوع تحقیق تحلیل مطالب صورت گرفته، همچنین نقل از منابع اینترنتی مرتبط، هم پرداخته شده است. پس همان گونه که گفته شد با استفاده از روش کتابخانه ای پس از مطالعه و در نظر گرفتن نکات کلیدی و مربوط به تحقیق آنها را در پایان نامه استفاده و مورد بررسی نقد قرار خواهیم داد.

### یافته ها

### بررسی مفهوم قتل خانوادگی

هر فعل که با قصد قبلی موجب کشته شدن دیگری شود یا در صورت فقدان قصد قبلی ارتکاب عملی که نوعاً کشنده هم باشد قتل محسوب میشود بنابراین قتل های غیر عمد در این حوزه قرار نرفته اند. این تعریف مطابق قانون مجازات اسلامی است قتل خانوادگی

عبارت است از قتلی که قاتل و مقتول هر دو از یک خانواده و شامل یکی از موارد، پدر مادر فرزند زن و شوهر، خواهر، برادر، پدربزرگ و مادربزرگ و نوه است قتل غیر خانوادگی شامل قتل‌هایی است که هیچ رابطه خانوادگی درجه اولی بین قاتل و مقتول وجود نداشته باشد همچنین قتل‌های فامیلی مثل دختر خاله و پسر خاله یا دختر عمو و پسرعمو و کلیه بستگان دیگر جزو قتل‌های غیر خانوادگی قرار گرفته اند. (آقا بیگولی، ۱۳۷۹: ۸۰)

از جمله غالب ترین رویدادهایی که باعث قتل های خانوادگی می گردد مسائل چو (اعتیاد، مسائل ناموسی، خیانت، ارث، حسادت، بیماری و اختلالات روانی، شرایط بد مالی و معیشتی، توهمات و ...) می باشد.

حال به بررسی اینگونه قتل ها توسط هریک از اعضاء خانواده می پردازیم :

### الف) قتل فرزند توسط مادر :

از جمله دلایل عمده ای که باعث می شود مادر دست به قتل فرزند خود بزند عواملی چون بیماری های روحی و روانی و شرایط بد معیشتی است ، این نوع قتل ها آمار پایینی نسبت به دیگر قتل های خانوادگی دارد در صورت عمدی بودن قتل فرزند به لحاظ شرعی و قانونی حکم مادر (قصاص) است.

### ب) قتل فرزند توسط پدر :

قتلی که از طرف پدر خانواده رخ می دهد از جمله دلایل عمده آن (اوضاع بد معیشتی، اعتیاد، اختلالات روحی و روانی، و عملی که بر خلاف قوانین خانواده است در صورتیکه فرزند را به واسطه ی آن عمل ننگ می شمارند ) است. مطابق ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی قتل عمدی توسط پدر خانواده مستوجب قصاص نمی باشد و فقط مستوجب (دیه) است با اینکه پدر خانواده قصاص نمی شود اما باید دیه ی فرزند خویش را به بقیه ی اعضاء و اولیا دم ها پرداخت کند و خود او هم مانع از ارث بردن از فرزند می شود. همچنین عملی که وی انجام داده باعث برهم زدن امنیت و نظم اجتماعی گردیده و از جهت جنبه ی عمومی به جز پرداخت دیه به حبس تعزیری ۳ تا ۱۰ سال بر اساس ماده ۶۱۲ محکوم می شود و همینطور مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی از (حقوق اجتماعی) محروم خواهد شد.

### ج) قتل همسر :

قتل زن توسط شوهر و بالعکس از جمله قتل های خانوادگی محسوب می شود که از آمار بالایی برخوردار است، عوامل متعددی بر اینگونه قتل ها حاکم است که از جمله رایج ترین آنها ( خیانت، اختلافات شدید خانوادگی، تفاوت های فرهنگی و عقیدتی، فقر، کتک کاری های شدید، اعتیاد،...) می باشد.

### د) قتل توسط همسر (مرد):

به لحاظ شرعی و قانونی به موجب ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی اگر همسر (مرد) زن خود را با مرد غریبه (اجنبی) ببیند حکم قصاص و دیه از وی ساقط می گردد البته مهدورالدم ( به قول معروف کسی که خونش حلال است ) مقتولان باید به اثبات برسد. حال اگر به اشتباه شخصی که مهدورالدم شناخته شده بود کشته شود بر اساس تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی قتل عمد به شبه عمد تبدیل و مرد محکوم به پرداخت دیه می شود .

ه) قتل توسط زن :

در قتلی که توسط همسر (زن\*) رخ می دهد معمولا ریشه در مسائل جنسی ، خیانت دارد و معمولا با معاونت و اجیر کردن شخصی دیگر جهت قتل رخ می دهد و شیوهی قتل با خوراندن سم و مسموم کردن و یا ضربات چاقو همراه است . در این نوع قتل فردی که قاتل است به حکم قصاص محکوم و فردی که معاونت در قتل را داشته به حبس از ۳ تا ۱۵ سال محکوم خواهد شد.

و) قتل توسط خواهر یا برادر :

در اینگونه قتل ها انگیزه هایی چون ( روابط نامشروع ، حسادت ، اعتیاد ، اختلافات شدید ، حس انتقام جویی ، اختلافات مالی ) وجود دارد . مجازات در اینگونه قتل ها تابع مقررات حقوقی مجازات ( قصاص ) می باشد .

### نظریه جرم شناسی ادوین ساترلند

ادوین ساترلند هاردین ، متولد ۱۳ اوت ۱۸۸۳ در گیبین ایالت نبراسکا و متوفای ۱۱ اکتبر ۱۹۵۰ بلومینگتون ایالت ایندیانا ، یک جامعه شناس آمریکایی بود. او به عنوان یکی از با نفوذترین جرم شناسان سده بیستم محسوب می شود. او به عنوان یک جامعه شناس از مکتب کنش متقابل نمادین است که بیشتر برای تعریف جرم یقه سفید و پیوند افتراقی ، که یک نظریه عمومی در مورد جرم و بزهکاری است شناخته شده است. ساترلند دکترای خود را در جامعه شناسی از دانشگاه شیکاگو در سال ۱۹۱۳ به دست آورد. او یکی از با نفوذترین جرم شناسان قرن ۲۰ در نظر گرفته شده و برای تعریف ((انجمن دیفرانسل)) یک نظریه از جرم و جنایت را تشریح می کند. (هاشمی ، ۱۴۰۱ : ۷)

### مکتب جرم شناسی شیکاگو

ادوین ساترلند یکی از جرم شناسان برجسته ی جرم شناسی در آمریکاست که پایان نامه دکترای خود را در زمینه بیکاری در دانشگاه شیکاگو داشته است . کتابی دارد تحت عنوان اصول جرم شناسی که اولین چاپ آن در سال ۱۹۲۴ منتشر شده است . این کتاب تاکنون بارها تجدید چاپ شده است . در کلیات جرم شناسی هم گفتیم که جرم شناسی های واکنش اجتماعی در آمریکا متولد شده است . کلاً در کشورهای آمریکایی جرم شناسی از بعد اجتماعی توسعه یافته است و جامعه شناسی جنایی بیش از روان شناسی جنایی و زیست شناسی جنایی مورد توجه قرار گرفت. در آمریکا در دانشگاه شیکاگو بیشتر از سایر دانشگاه ها ، در زمینه مسایل اجتماعی ، انحرافات اجتماعی مطالعه و تحقیق و پژوهش انجام شده و مکتبی به وجود آمد که به مکتب شیکاگو مشهور است . در ابتدای قرن بیستم مطالعات آماری در شیکاگو نشان می داد که بزهکاری ، کج رفتاری و ارتکاب جرم به صورت یک شیوه ی رفتاری و یک سلوک درآمده است . ارتکاب جرایم مخل امنیت ، سرقت ، قتل باندهای تبهکارانه در این شهر شیوع پیدا کرده بود گروه ها و دسته جات مختلفی که اوباش گری می کردند و به صورت باندی مرتکب سرقت و سایر جرایم مخل امنیت می شدند بیداد می کرد. این وضعیت سوالی بود که محققین مکتب شیکاگو درصدد حل آن برآمدند و راجع به چرایی این وضعیت تحقیق کردند . ساترلند یکی از بزرگان جرم شناسی با الهام از تحقیقات مکتب شیکاگو نظریه ای را مطرح کرد با عنوان معاشرت های ترجیحی : اساس این نظریه آن است که جرم در تعامل ( ارتباط ) میان فرد با گروه های مجرم و منحرف آموخته می شود . ایشان تلاش کرد اثبات نماید که جنایت و انحراف از طریق انتقال فرهنگ ( فرهنگ جرم ) در میان گروه های اجتماعی صورت می گیرد . ماحصل کلام اینکه ساترلند معتقد است که جرم در محیط آلوده به فساد آموخته می شود . البته قبل از ساترلند دانشمند دیگری به نام تارد اعلام نموده

بود که جرم ناشی از تقلید است. ادوین ساترلند تا حد زیادی در گسترش درک ما از جرم و جنایت در جرم‌شناسی کمک کرده است. نظریه خود را از "انجمن دیفرانسیل" اگر چه به شدت انتقاد بنیادی در توسعه از دیگر نظری‌های دیگری اجتماعی را دنبال داشته اما محبوبیت این تعریف هنوز هم در میان جرم‌شناسان مدرن برای سادگی و انسجام آن است. شناخت او این است که تعاملات خود را با دیگران بر پایداری ما به، هنجارهای اجتماعی و قوانین، سهم ارزشمند را برای درک ما از طبیعت انسان بود. ساترلند معتقد است که هرگاه بین هنجارها و نهادهای اجتماعی تضاد حاصل شود، نظام گسیختگی به وجود می‌آید. (هاشمی، ۱۴۰۱: ۱۵-۲۰)

### زمینه‌های پیدایش نظریه ساترلند

یکی از دیدگاه‌هایی که در خصوص تأثیر عوامل اجتماعی در جرم وجود داشته و برخی از محققین بر این بنا نظریاتی در این خصوص ارائه نموده‌اند این هست که جرم در اجتماع آموخته می‌شود. قبلاً هم در بررسی نظریه تارد گفتیم که ایشان معتقد بود که جرم ناشی از تقلید هست و سه قانون یا سه قاعده تقلید را هم ایشان اعلام می‌نمود که انسان معمولاً در زندگی از محیطی که از نظر فیزیکی به او نزدیک هست بیش از سایر عوامل متأثر می‌شود (قانون اول تقلید) یعنی اینکه انسان از محیطی که از نظر فیزیکی به او نزدیک هست بیش از سایر عوامل اجتماعی متأثر می‌شود. قانون دوم تقلید اعلام می‌کرد که انسان از افرادی که از نظر اجتماعی فرا دست وی هستند تبعیت و تقلید می‌کند، بنابراین اگر کسی در یک محیط مجرمانه ای قرار بگیرد که آن محیط دارای افرادی باشد که در رأس آن باند مجرمانه هستند یقیناً طرز سلوک او را زیردستان و فرودستان می‌آموزند و قانون سوم هم این بود که جرم در طول زمان تابع مد هست و متحول می‌شود و دگرگون می‌شود. شاید ساترلند بیش از سایر دیدگاه‌های جامعه‌شناسان پیشین از نظریه تارد الهام گرفته است. البته یک زمینه‌ای هم وجود داشته است. قبلاً گفتیم که در نیمه اول قرن بیستم یک مکتبی در دانشگاه شیکاگو ظهور کرد که خیلی مشهور هست در جامعه‌شناسی تحت عنوان مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو و در این مکتب، بسیار در خصوص جامعه‌شناسی انحرافات تحقیقات عمیقی را انجام گرفت و تحقیقاتشان شهرت جهانی دارد تحقیقات بسیار مفصلی را انجام دادند و محوریت مطالعاتشان هم در خصوص این بود که چرا جرم در شهر شیکاگو و برخی دیگر از شهرهای آمریکا مانند تکزاس، به صورت فعالیت‌های بانندی و گروهی درآمد به ویژه جرائم علیه امنیت، جرایم علیه اموال و جرایم علیه اشخاص. این اساس تحقیق و مطالعه دانشمندان مکتب شیکاگو بود. نظریه تارد هم که در حقیقت در قرن نوزدهم میلادی ارائه شده بود شاید چندان راهگشا نبود. ساترلند با تلفیق نظریه تارد و برخی تحقیقاتی که دانشمندان مکتب شیکاگو انجام داده بودند، نظریه‌ای را برای اولین بار مطرح کرد و اعلام کرد که: جرم ناشی از قرار گرفتن فرد در محیط آلوده به فساد و تبهکاری است، جرم در محیط آلوده به جنایت و تبهکاری آموخته می‌شود. در آغاز قرن ۱۸ میلادی، افکار و عقاید فری بعدها توسط جامعه‌شناس معروف فرانسوی «دورکیم» مورد مطالعه قرار گرفت و با استفاده از آمار جنائی، قوانین و تره‌های فری و دورکیم، دو اندیشمند آمریکائی به‌نامهای «ساترلند» و «سلین» به مطالعاتی دست زدند که نتیجه آنها به فرمول کشیدن دو نظریه بود:

۱- نظریه معاشرت‌های ترجیحی یا اختلاف فرهنگ‌ها.

۲- نظریه تعارض‌های فرهنگی یا اختلاف فرهنگ‌ها.

### نظریه معاشرت ترجیحی یا همنشینی افتراقی

جرم‌شناسی به نام ساترلند اعلام نمود که علل تکوین جرم معاشرت با افراد تبهکار است و نظریه‌ای به نام معاشرت ترجیحی اعلام نمودند. به عبارتی دیگر رفتار انحرافی مثل سایر رفتارهای اجتماعی از طریق هم‌نشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. شاید





گفته شود نظریه ادوین ساترلند چندان هم تازه و ابتکاری نیست چرا که از قدیم الایام به تأثیر محیط بر رفتار فرد تأکید شده است . در پاسخ به این موضوع باید گفت که در مقایسه با نظریات پیشین این نظریه بدیع و ابتکاری است اگر چه ممکن است بگوئیم که این مطالبی که دانشمندان مطرح می کنند مطالبی هستند که همینطوری هم بدون مطالعه هم به آنها رسیده ایم . مثلاً در جامعه ما اگر از یک شهروند عادی پرسیده شود که : فلان شخص چرا مرتکب جرم شده است ؟ در پاسخ بگویند که با دوستان ناباب رفت و آمد کرده است . رفیق بد داشته است . ولی به صورت تئوری و نظری این ها دسته بندی نشده اند و هنر این دانشمندان این بود که یک سری واقعیت های اجتماعی را کشف کرده و تئوریزه کرده اند . شاید می شود گفت که این ها اختراعی نکردند یک سری واقعیات موجود را کشف کردند و البته گاه می بینید که نظریاتی که ارائه کرده اند خیلی بدیع و ابتکاری است . مثل نظریه آقای مرتون . پس در نظریه ایشان جرم یک رفتار هست که آموخته می شود و گفتیم آموختن جرم از دو بعد هست یا از جهت شگردها و شیوه های ارتکاب جرم است و یا از جهت انگیزه ها و سائقه هایی که فرد را به سمت ارتکاب جرم هدایت می کند و در اصل پنجم هم گفتیم که ورود فرد به عالم تبهکاری بستگی دارد به این که فرد معاشرت داشته باشد یا افراد و گروه های مخالف قانون و یا موافق قانون ، در فرضی که فرد در گروه های جامعه ستیز معاشرت و آمد و رفت داشته باشد و ارتباط داشته باشد تردیدی نیست که به دلیل غلبه رفتارهای خلاف قانون بر رفتاری موافق قانون و مشروع و همچنین کثرت ارتباط فرد با گروه های جامعه ستیز تردیدی نیست که فرد در آینده در مسیر ارتکاب جرم قرار می گیرد . اصل مهم و بنیادین نظریه ساترلند هم همین بود که در صورتی که جامعه ستیزی در محیط پیرامون فرد بر قانون مندی و قانون مداری غلبه داشته باشد این احتمال بیشتر هست که فرد به جرم آلوده شود و این را درواقع « اصل فراوانی معاشرت با افراد ناباب » نام نهاده اند . از دیدگاه ساترلند جرم در نتیجه ترجیح یا غلبه ی محیط های ناباب ، کج رو و ضد اجتماعی بر محیط های قانون مدار و ارزش مدار بر فرد خاص آموخته می شود . فرد در چنین شرایطی ارتکاب جرم را می آموزد . معاشرت با فرد یا گروه کجرو زمانی جرم زاست که اولاً دارای فراوانی باشد ( تکرار شود ) ثانیاً از نظر مدت، استمرار داشته و طولانی باشد . ثالثاً از نظر کیفی به نحوی باشد که اصطلاحاً ارتباط ارتباطی صمیمانه و گروهی باشد یعنی فرد وارد گروه کجرو شود و اهداف را بپذیرد . در چنین شرایطی مرتکب جرم خواهد شد . این نظریه در مورد بزهکاری اطفال و نوجوانان بیش از سایر بزهکاران ( افراد بالغ ) کارایی دارد چرا که انسان در دوره ی طفولیت و نوجوانی بیشتر تابع احساسات و عواطف است و به بررسی حسن و قبح اعمال کمتر توجه می کند . تابع غرایز و احساسات درونی است در حقیقت غلبه ی احساس بر عقل بیش از هر دورانی ، در دوران نوجوانی مشهود است . فرایند یادگیری سریع تر است . وابستگی طفل و نوجوان به گروه های دوستان و هم سالان بیشتر است . نیاز به محبت هم در چنین مواردی موجب پناه بردن طفل و یا نوجوان به محیط امن تر می شود . ممکن است این محیط امن تر همان محیط مجرمانه باشد مانند فرار دختران از منزل که غالباً تحت تأثیر یک سری محرک های محیطی صورت می گیرد . نظریه همنشین افتراقی ادوین ساترلند، مشهورترین نظریه از مجموعه نظریه های جامعه پذیری یا یادگیری در مباحث کج رفتاری اجتماعی است. نکته اصلی نظریه ساترلند این است که افراد به این علت کج رفتار می شوند که تعداد تماس های انحرافی آنان، بیش از تماس های غیر انحرافی شان است. این تفاوت تعامل افراد با ایده های کج رفتارانه نسبت به ایده های همنواپانه، علت اصلی کج رفتاری آن ها است. به اعتقاد وی، کج رفتاری یادگرفتنی است و نه ارثی و نه محصول بهره هوشی پایین یا آسیب مغزی. بخش اصلی یادگیری کج رفتاری در حلقه های درون گروه های صمیمی و تحت تأثیر رسانه ها روی می دهد. ساترلند در سطح تعامل اجتماعی مدعی شد که افراد به همان شیوه ای که یاد می گیرند از قوانین تبعیت کنند، به همان شیوه هم یاد می گیرند که کج رفتار بشوند . ساترلند با توجه تاثیرگذاری گروه ها نسبت به رفتار انسان و به تاسی از نظریات یادگیری در حوزه روانشناسی، نظریه معاشرت های ترجیحی را در قالب ۹ رکن بیان کرده و معتقد است که رفتار مجرمانه یک امر ارثی نیست، بلکه یک امر اکتسابی و آموختنی است. (هاشمی، ۱۴۰۱: ۲۰-۲۵)

## کاربرد نظریه ساترلند در تحلیل قتل‌های خانوادگی:

۱- نقش خانواده:

### الف) الگوهای رفتاری خشونت‌آمیز در خانواده:

خشونت خانگی به معنی رفتار خشونت‌آمیز و سلطه‌گرانه یک عضو خانواده علیه عضو یا اعضای دیگر همان خانواده است. بر اساس مطالعات جامعه‌شناسی، هدف اصلی خشونت خانگی کودکان خردسال هستند. دومین نوع خشونت معمول در خانواده، خشونت علیه زنان است. خشونت درون خانواده بازتاب الگوهای کلی‌تر رفتار خشن است. بسیاری از مردانی که زنان و کودکانشان را از نظر فیزیکی مورد تعرض قرار می‌دهند، سابقه خشونت در زمینه‌های دیگر را نیز دارند. پذیرش فرهنگی شکل‌هایی از خشونت خانگی مانند تنبیه بدنی از عواملی است که میزان خشونت خانگی را افزایش می‌دهد. در سطح جهانی، یک زن از هر سه زن در سرتاسر جهان خشونت جسمی یا جنسی را از طریق شریک زندگی یا خشونت جنسی توسط متجاوز را در طول زندگی خود تجربه می‌کند که بیشتر آن، خشونت شریک زندگی او است (Q&A: Violence against women during COVID) ۱۹ Retrieved ۲۰۲۰-۰۷-۲۰ (۰۴)

اگر کودکی در خانواده‌ای رشد کند که خشونت فیزیکی یا کلامی در آن رایج است، احتمال اینکه او نیز در بزرگسالی به خشونت متوسل شود، افزایش می‌یابد. بی‌پدری یا حضور پدری غایب: نبود یک پدر حضور فیزیکی و عاطفی در خانواده، می‌تواند منجر به احساس ناامنی و خشم در پسران شود که در برخی موارد به خشونت منجر می‌شود. مشکلات ارتباطی در خانواده: عدم توانایی اعضای خانواده در برقراری ارتباط موثر و حل مشکلات، می‌تواند به افزایش تنش و در نهایت به خشونت بیانجامد.

### ب) عوامل موثر در الگوی رفتاری خشونت‌آمیز در خانواده

۱- عدم وجود الگوهای رفتاری مثبت: کمبود محبت و توجه، کودکان تا حد بسیار بالایی نیاز به توجه، محبت و حمایت والدین خود دارند کمبود محبت و توجه در خانواده یکی از عوامل مهم و شناخته شده در بروز رفتارهای بزهکارانه در افراد است. این کمبود می‌تواند عواقب روانی و اجتماعی جدی برای کودکان و نوجوانان به همراه داشته باشد و آن‌ها را در معرض خطر ارتکاب جرم قرار دهد.

چرا کمبود محبت به بزهکاری منجر می‌شود؟

احساس ناامنی و بی‌ارزشی: کودکانی که احساس می‌کنند مورد توجه و محبت والدین خود قرار نمی‌گیرند، ممکن است احساس ناامنی و بی‌ارزشی کنند. این احساسات منفی می‌تواند به دنبال جلب توجه و تأیید به هر قیمتی، حتی از طریق رفتارهای بزهکارانه، منجر شود.

-مشکلات در تنظیم احساسات: کودکان نیاز دارند تا یاد بگیرند چگونه احساسات خود را به طور سالم مدیریت کنند. کمبود محبت می‌تواند در توانایی آن‌ها برای تنظیم احساسات اختلال ایجاد کرده و آن‌ها را به سمت رفتارهای تکانشی و پرخاشگرانه سوق دهد.

-ضعف در روابط اجتماعی: کودکانی که در خانواده‌های پر از تنش و کمبود محبت بزرگ می‌شوند، ممکن است در ایجاد روابط سالم با دیگران مشکل داشته باشند. این امر می‌تواند به انزوای اجتماعی و در نهایت به رفتارهای ضد اجتماعی منجر شود.





- کاهش اعتماد به نفس: کمبود محبت و توجه می تواند به کاهش اعتماد به نفس در کودکان منجر شود. کودکانی که اعتماد به نفس پایینی دارند، ممکن است برای جبران این کمبود به دنبال جلب توجه از طریق رفتارهای نامناسب باشند.

- احساس انتقام جویی: برخی از کودکان ممکن است احساس کنند که والدینشان آن ها را نادیده گرفته اند و به همین دلیل به دنبال انتقام جویی از آن ها باشند. این احساس انتقام جویی می تواند به بروز رفتارهای بزهکارانه منجر شود. (حسین زاده ، ۱۳۹۶ : ۷)

۲- عدم آموزش مهارت های اجتماعی: اگر کودکان مهارت های لازم برای حل مشکلات و مدیریت عواطف خود را نیاموزند، ممکن است در مواجهه با تعارضات به خشونت متوسل شوند.

مهارت های اجتماعی، مانند برقراری ارتباط موثر، همدلی، حل مسئله و کنترل خشم، ابزارهای مهمی برای تعامل موفق با دیگران و زندگی در جامعه هستند. عدم آموزش و تقویت این مهارت ها در کودکان می تواند عواقب جدی داشته باشد و احتمال گرایش به رفتارهای بزهکارانه را افزایش دهد. (کرم پور - رضایی ، ۱۳۹۸ : ۱۷)

چرا عدم آموزش مهارت های اجتماعی به بزهکاری منجر می شود؟

- مشکل در برقراری ارتباط: کودکانی که مهارت های ارتباطی ضعیفی دارند، ممکن است در بیان احساسات و نیازهای خود مشکل داشته باشند و در نتیجه به دنبال راه های نامناسبی برای جلب توجه یا حل مشکلات خود باشند.

- عدم همدلی: عدم توانایی در درک احساسات دیگران و همدلی با آن ها می تواند منجر به رفتارهای پرخاشگرانه و بی توجهی به حقوق دیگران شود.

- مشکل در حل مسئله: کودکانی که مهارت های حل مسئله را نیاموخته اند، ممکن است در مواجهه با مشکلات به جای یافتن راه حل های مناسب، به رفتارهای تکانشی و خشونت آمیز متوسل شوند.

- کنترل ضعیف بر احساسات: عدم توانایی در کنترل احساسات مانند خشم، ترس و اضطراب می تواند به رفتارهای پرخاشگرانه و خود تخریبی منجر شود.

- انزوای اجتماعی: کودکانی که مهارت های اجتماعی ضعیفی دارند، ممکن است در ایجاد روابط دوستانه با همسالان خود مشکل داشته باشند و به انزوای اجتماعی دچار شوند. این انزوای می تواند آن ها را به سمت گروه های همسالان بزهکار سوق دهد.

ارتباط بین عدم آموزش مهارت های اجتماعی و بزهکاری:

- جستجوی تأیید: کودکانی که مهارت های اجتماعی ضعیفی دارند، ممکن است برای جلب توجه و تأیید دیگران به رفتارهای بزهکارانه روی آورند.

- عدم توانایی در حل مشکلات: هنگامی که کودکان با مشکلات روبرو می شوند و مهارت های لازم برای حل آن ها را ندارند، ممکن است به رفتارهای ضد اجتماعی متوسل شوند.

- احساس ناامنی: کودکان با مهارت های اجتماعی ضعیف ممکن است احساس ناامنی و بی ارزشی کنند و برای جبران این احساسات به رفتارهای خطرناک روی آورند.

-تأثیر همسالان: کودکانی که مهارت‌های اجتماعی ضعیفی دارند، ممکن است تحت تأثیر همسالان بزهکار قرار بگیرند و به تقلید از رفتارهای آن‌ها بپردازند.

۳- روابط ناسالم بین اعضای خانواده: تبعیض و بی‌عدالتی: تبعیض بین فرزندان یا برخوردهای ناعادلانه با برخی از اعضای خانواده می‌تواند احساس خشم و کینه را در فرد ایجاد کند.

روابط ناسالم بین اعضای خانواده یکی از عوامل مهم و مؤثر در بروز رفتارهای بزهکارانه در کودکان و نوجوانان است. این روابط، محیطی سمی و پر از تنش ایجاد می‌کند که می‌تواند رشد سالم کودک را مختل کرده و او را به سمت رفتارهای انحرافی سوق دهد.

انواع روابط ناسالم خانوادگی و تأثیر آنها بر بزهکاری

-خشونت خانگی:

فیزیکی: ضرب و شتم، هل دادن، کشیدن مو و...

کلامی: توهین، تحقیر، تهدید و...

عاطفی: نادیده گرفتن، انزوا، کنترل و...

جنسی: هرگونه تماس جنسی ناخواسته

تأثیر بر کودک: کودکان شاهد خشونت، احساس ناامنی، ترس و اضطراب می‌کنند. ممکن است خود نیز قربانی خشونت شوند یا در آینده به خشونت متوسل شوند.

اختلافات شدید و مداوم:

جدال‌های مداوم: جدال‌های مداوم بین والدین، محیطی پر از تنش و استرس ایجاد می‌کند که بر روان کودک تأثیر منفی می‌گذارد.

تفرقه‌افکنی: زمانی که والدین کودک را درگیر اختلافات خود کنند، کودک احساس گناه، سردرگمی و وفاداری متناقض می‌کند.

تبعیض: تبعیض بین فرزندان: تبعیض بین فرزندان باعث احساس بی‌عدالتی و کم‌ارزشی در کودک می‌شود.

۴- مشکلات روانی والدین: اختلالات روانی مانند افسردگی، اضطراب و اختلال شخصیت ضد اجتماعی در والدین می‌تواند بر رفتار فرزندان تأثیر گذاشته و خطر بروز خشونت را افزایش دهد.

مشکلات روانی والدین، به عنوان یک عامل مهم و پیچیده، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر رفتار کودکان و احتمال بروز رفتارهای بزهکارانه در آن‌ها داشته باشد. این تأثیر می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و از طریق مکانیسم‌های مختلفی اعمال شود. (فخیمی بهروز، ۱۳۹۹: ۹)

مکانیسم‌های تأثیرگذاری

مدل‌سازی رفتاری: کودکان تمایل دارند رفتار والدین خود را تقلید کنند. والدینی که خود رفتارهای پرخاشگرانه، ضد اجتماعی یا قانون‌شکنی دارند، ممکن است این رفتارها را به طور ناخودآگاه به فرزندان خود آموزش دهند.

محیط خانوادگی ناسالم: مشکلات روانی والدین می‌تواند منجر به ایجاد یک محیط خانوادگی ناسالم، پر از تنش و آشفتگی شود. این محیط می‌تواند بر رشد عاطفی و اجتماعی کودک تأثیر منفی بگذارد و او را مستعد بروز رفتارهای انحرافی کند.

کاهش نظارت و حمایت والدین: والدینی که با مشکلات روانی دست و پنجه نرم می‌کنند، ممکن است نتوانند به اندازه کافی به نیازهای فرزند خود توجه کنند و نظارت کافی بر رفتارهای او داشته باشند. این امر می‌تواند فرصت‌هایی را برای بروز رفتارهای بزهکارانه در کودک فراهم کند.

مشکلات ارتباطی: مشکلات روانی والدین می‌تواند بر کیفیت ارتباط آن‌ها با فرزندان تأثیر بگذارد. عدم ارتباط موثر، عدم درک متقابل و فقدان حمایت عاطفی می‌تواند به تنهایی و احساس انزوا در کودک منجر شود و او را مستعد پذیرش تأثیرات منفی همسالان یا گروه‌های خلافکار کند.

انتقال اختلالات روانی: برخی از اختلالات روانی می‌توانند از والدین به فرزندان منتقل شوند. این انتقال می‌تواند از طریق عوامل ژنتیکی یا محیطی صورت گیرد و احتمال بروز رفتارهای بزهکارانه در کودک را افزایش دهد.

### انواع مشکلات روانی والدین و تأثیرات آن‌ها

اختلالات خلقی: افسردگی، اختلال دو قطبی و اختلال اضطرابی در والدین می‌تواند منجر به کاهش انرژی، بی‌حالی، تحریک‌پذیری و مشکلات خواب شوند که همگی بر تعامل والدین با فرزند و ایجاد یک محیط خانوادگی پایدار تأثیر می‌گذارند.

اختلالات شخصیتی: اختلالات شخصیتی مانند اختلال شخصیت ضد اجتماعی یا اختلال شخصیت مرزی می‌تواند به رفتارهای پرخاشگرانه، ناپایدار و بی‌مسئولیتی در والدین منجر شوند که بر رفتار کودکان تأثیر می‌گذارد.

سوء مصرف مواد: مصرف مواد مخدر و الکل در والدین می‌تواند به مشکلات رفتاری، خشونت خانگی، بی‌توجهی به کودک و کاهش توانایی والدین در مراقبت از فرزند منجر شود.

اختلالات روانی دیگر: سایر اختلالات روانی مانند اختلال وسواس فکری-عملی، اختلال استرس پس از سانحه و اختلال شخصیت اجتنابی نیز می‌توانند بر تعامل والدین با فرزند و ایجاد یک محیط خانوادگی سالم تأثیر بگذارند.

۵- سوء مصرف مواد در خانواده: الگوبرداری از رفتارهای مخرب: اگر والدین به مواد مخدر یا الکل اعتیاد داشته باشند، کودکان ممکن است این رفتارها را تقلید کرده و به سمت خشونت سوق پیدا کنند.

### مکانیسم‌های تأثیرگذاری:

مدل‌سازی رفتاری: کودکان تمایل دارند رفتار والدین خود را تقلید کنند. وقتی والدین به مواد مخدر اعتیاد دارند، این رفتار به عنوان یک الگو برای کودک پذیرفته می‌شود و احتمال اینکه کودک نیز به مواد مخدر روی آورد افزایش می‌یابد.

محیط خانوادگی ناسالم؛ اعتیاد والدین به مواد مخدر، محیطی پر از تنش، خشونت و بی‌ثباتی را در خانواده ایجاد می‌کند. این محیط، رشد عاطفی و اجتماعی کودک را مختل کرده و او را مستعد بروز رفتارهای انحرافی می‌کند.

کاهش نظارت و حمایت والدین: والدین معتاد، به دلیل مشکلات ناشی از اعتیاد، نمی‌توانند به اندازه کافی به نیازهای فرزند خود توجه کنند و نظارت کافی بر رفتارهای او داشته باشند. این امر فرصت‌هایی را برای بروز رفتارهای بزهکارانه در کودک فراهم می‌کند.

مشکلات مالی: اعتیاد به مواد مخدر، هزینه‌های مالی زیادی را به خانواده تحمیل می‌کند. این مشکلات مالی می‌تواند منجر به فقر، محرومیت و ایجاد احساس محرومیت در کودک شود که در نهایت به بروز رفتارهای بزهکارانه منجر شود.

مشکلات ارتباطی: اعتیاد والدین، ارتباط بین اعضای خانواده را مختل کرده و به ایجاد فاصله عاطفی بین والدین و فرزندان منجر می‌شود. این امر باعث می‌شود کودک احساس تنهایی و بی‌کسی کند و به دنبال جلب توجه و برآورده کردن نیازهای عاطفی خود به روش‌های نادرست برود.

انتقال اختلالات روانی: اعتیاد به مواد مخدر می‌تواند باعث بروز مشکلات روانی در کودک شود. این مشکلات روانی می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر رفتار کودک تاثیر گذاشته و احتمال بروز رفتارهای بزهکارانه را افزایش دهد. (ارشدی، ۱۴۰۰: ۶۴)

مکانیسم‌های انتقال خشونت در خانواده:

یادگیری اجتماعی: کودکان از طریق مشاهده رفتارهای والدین و سایر اعضای خانواده، نحوه برخورد با مشکلات و تعارضات را یاد می‌گیرند.

تقویت مثبت: اگر خشونت به نتیجه مطلوبی برسد (مثلاً کودک با تهدید به خشونت به خواسته خود برسد)، این رفتار تقویت شده و احتمال تکرار آن افزایش می‌یابد.

کاهش مهارهای رفتاری: خشونت می‌تواند به کاهش مهارهای رفتاری در کودکان منجر شود و آن‌ها را به سمت رفتارهای تکانشی و پرخاشگرانه سوق دهد.

## ۲- نقش همسالان:

عضویت در گروه‌های همسالان بزهکار: اگر فردی با افرادی که به خشونت گرایش دارند، معاشرت کند، احتمال اینکه او نیز به این رفتار روی آورد، بیشتر می‌شود.

اگر چه این امکان وجود دارد که ارتکاب جرم از طریق رادیو و تلویزیون، مجلات و غیر اینها آموخته شود اما آنچه که از نظر ساترلند محور یادگیری اعمال مجرمانه را تشکیل می‌دهد گروه‌های ناباب، باندهای مجرمانه و تبهکارانه است. توضیح اینکه گفتیم که یک سری دیدگاه‌هایی در جرم‌شناسی وجود داشت که معتقد بودند جرم یک پدیده جبری هست و در حقیقت خصوصاً لومبرزو و بعضی دیگر از دانشمندان جرم‌شناسی که پیروان مکتب زیست‌شناسی جنایی بودند، اعتقاد داشتند که جرم در نتیجه توارث از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و رشته در ژنتیک انسان دارد و دیدیم که لومبرزو می‌گفت که: جرم ریشه در نوعی نقص در تکامل فرد دارد. به همین جهت هر گونه عقیده‌ای را در خصوص امکان درمان مجرم یا اصلاح وی و یا پیشگیری از جرم رد می‌کرد، یک سری انسان‌ها در دیدگاه لومبرزو و طرفداران مکتب زیست‌شناسی جنایی محکوم به مجرم بودن، بودند، محکوم بودند به این که

حتماً مرتکب جرم می شوند و نمی شد به هیچ طریقی از ارتکاب جرم آنها پیشگیری کرد. علت این بود که ایشان اعتقاد به جبری بودن پدیده مجرمانه داشتند.

اما اولین تفاوت دیدگاه ساترلند با این دانشمندان در این است که جرم رفتاری هست که آموخته می شود و همانند سایر اعمال انسانی در فرضی که انسان یاد نگیرد که سایر کارها را چگونه انجام دهد، ممکن است هیچ وقت انجام کاری را نتواند تقبل کند و کاری را انجام دهد، ایشان مثال می زند که: مثلاً یک فرد تا زمانی که در خصوص مکانیکی آموزش نبیند یک مکانیک نمی شود و همین طور آداب غذا خوردن یا سایر اعمالی را که انسان در جامعه انجام می دهد فرد در رویارویی با جامعه و مشاهده و لمس آنها را فرا می گیرد. ارتکاب جرم هم به همین ترتیب است. کسی تا نداند که می شود سرقت کرد مرتکب سرقت نمی شود. یعنی ابتکار عمل به دست مجرم نیست در زمینه ارتکاب جرم بلکه جرم هم یک رفتار هست مانند رفتارهایی که فرد در جامعه انجام می دهد و در یک فرایند ارتباط آموخته می شود. این اصل دوم، از اصول نظریه ساترلند بود. یعنی ارتکاب جرم در فرایند ارتباط میان فرد یا گروه های مجرمانه آموخته می شود. می گفت که ممکن است که خیلی از ابزارها و وسایلی که در جامعه وجود دارد موجب این به شود که ارتکاب جرم در جامعه گسترش پیدا کند، مثلاً در صدا و سیما و تلویزیون ممکن است فیلم هایی وجود داشته باشند که جرم را باشند و شیوه های مختلف ارتکاب جرم را به فرد یاد بدهند و کودکان و نوجوانان با مشاهده اعمال خشونت بار که از تلویزیون پخش می شود و یا با خواندن بعضی حوادث در روزنامه ها و مجلات هم ارتکاب بعضی اعمال مجرمانه را یاد بگیرند. اما بیشترین و پیش از همه این عوامل آنچه که در یادگیری ارتکاب جرم مؤثر است معاشرت فرد است با فرد مجرم یا گروه های مجرم و کجرو (معاشرت مستقیم فرد با گروه های مجرم) اصل سوم که ایشان در توجیه نظریه ی خودشان به آن اشاره کردند این بود که معتقد بود که یادگیری جرم در گروه های صمیمی یا گروه های اصطلاحاً خودی صورت می گیرد، یعنی گروه هایی که از نظر الگو، از نظر نظام ارزشی، از نظر باورها و از نظر مرام و هدفی که دارند با هدف و مرام فردی که مرتکب جرم می شود و در حقیقت در دام آن گروه ها می افتد یک نوع وحدت و اشتراکی میان اینها وجود دارد و همان چیزی که گروه های دوستان یا گروه های تبهکاران یا گروه های ناباب خوانده می شود.

نظریه ادوین ساترلند تحت عنوان پیوند افتراقی بر این نکته دلالت دارد که فرایند یادگیری رفتار مجرمانه به وسیله ی دوستان فرد مجرم تعیین می شود. چهار گام زیر فرایند نظریه پیوند افتراقی را به اختصار نشان می دهد

۱- رفتار تبهکارانه، مانند دیگر رفتارهای معمولی در اثر کنش متقابل با دیگران به ویژه گروه دوستان آموخته می شود.

۲- فراگیری رفتار مجرمانه هم مستلزم یادگیری تکنیکهای ارتکاب جرم و هم انگیزهها سائقها و گرایش های مناسب برای بزهکاری است.

۳- انسان بدان سبب مجرم میشود که فراوانی امکانات قانون شکنی بر محدودیتهای نامساعد آن بچربد.

۴- پیوندهای تبهکارانه یک شخص میتواند از جنبههای خاصی همچون فراوانی طول مدت و شدت این تماس ها متفاوت باشد و در تعیین تأثیر این پیوندها بر شخص به ما کمک کند (ستوده، ۱۳۹۲: ۱۴۲).

نکته اصلی نظریه ساترلند این است که افراد به این علت کج رفتار میشوند که تعداد ارتباطهای انحرافی آنان بیش از ارتباط های غیر انحرافی شان است. این تفاوت تعامل افراد با کسانی که ایدههای کج رفتارانه دارند نسبت به افرادی که از ایده های همخوانانه برخوردارند یعنی ارتباط بیشتر آنان با کج رفتاران یا ایدههای کج رفتاری علت اصلی کج رفتاری آنهاست. از دیدگاه ساترلند افزونی

تعریفهای مساعد برای رفتار مجرمانه موجب زمینه سازی تاثیر کلی معاشرت جهت ایجاد هنجارهایی که نهایتا به ارتکاب جرم منجر میشوند میگردد. در راستای این نظریه می توان چنین استنتاج کرد که استمرار ارتکاب جرم و اصرار بر آن در قالب تکرار یا تعدد جرم نتیجه معاشرت مستمر با بزهکاران و غلبه کامل تعاریف مجرمانه از رفتارهای پذیرفته شده گروه و به عبارتی اجتماعی شدن مجرمانه است بنظر میرسد چنین استنتاجی، این اندیشه رانیز در داشته باشد که برای مقابله با تکرار جرم باید معاشرت با جامعه عادی و به هنجار را جانشین معاشرت با گروه هایی کرد که فرد در آنجا تعاریف مجرمانه و تکنیکهای ارتکاب جرم را فرا گیرد (غلامی، ۱۳۸۲: ۱۷)

### ۳- تاثیر تعامل با گروه های کوچک

دومین پیش فرض نظریه معاشرت ترجیحی ساترلند پذیرش تاثیر عمده ارتباط با گروههای کوچک اجتماعی در مقابل جوامع باشد، مساله جستجوی پایگاه در میان اعضای خانواده اعضای گروه و یا دوستان یکی از مهمترین دلایل تاثیر عمده گروههای کوچک بر رفتار بزهکارانه کودک یا نوجوان میباشد منظور از پایگاه این است که افراد طبقه پائین در این گروهها یعنی اعضای جدید یا ضعیف تر نظیر کودکان و نوجوانان مایل هستند تا از طریق ابراز، سرسختی اثبات زنگی خودمختاری و ابتکار به جایگاه بالاتر و پایگاهی مشخص تر در گروه دست یابند مواردی نظیر احساس تعلق به این گروهها نیز می تواند انگیزه ارتکاب جرم را در کودکان و نوجوانان تقویت نماید.

تاثیر بیشتر گروههای کوچک در نظریه معاشرت ترجیحی بر مساله فراوانی معاشرت نیز اتکاء، دارد فراوانی معاشرت فرایندی است که به موجب آن شخص در معرض تعاریف موافق و ناموافق قرار میگیرد که سبب پیروی شخص از قانون یا گزینش رفتار قانون شکنانه می شود نظریه معاشرت ترجیحی بعد هنجاری و بعد تعاملی در ارتباط با گروههای کوچک را به شکل همزمان مطرح می سازد، به عبارت دیگر تاثیر پذیرش فرد از گروههای کوچک اجتماعی نظری خانواده به شکل قابل توجهی هم تحت تاثیر تعاملات فرد با گروه قرار داشته و علاوه بر آن همانند نظریه خرده فرهنگی ارزش های هنجاری گروههای کوچک را نیز در نظر میگیرد (جعفری، ۱۳۹۴: ۱۵۶) هم نشینی مستقیم و تعامل مستقیم میان افراد با گروههای کوچک اجتماعی صورت می پذیرد این گروهها موجبات ایجاد انگیزه ارتکاب بزه را در فرد ایجاد می کنند و در واقع فرایندی را آغاز نموده که نتیجه نهایی آن ارتکاب بزه از سوی فرد می باشد، علاوه بر این الگوهای تقلید و تقویت کننده های افتراقی برای رفتار مجرمانه می باشند، به عبارت دیگر الگوهای رفتار مجرمانه ارزشهای مجرمانه چگونگی و چرایی ارتکاب جرم برای فرد در این قبیل گروهها مشخص میشود معاشرتهایی که زودتر اتفاق میافتند و فرد ارتباط طولانی تری با آن ها دارد و به عبارت دیگر زمان زیادی از زندگی افراد به ارتباط با این گروهها سپری میشود و یا معاشرتهایی که اغلب اتفاق افتند. مانند روابط دوستانه که به طور معمول و به صورت روزانه همدیگر را میبینند و نهایت اینکه معاشرت هایی که به ایجاد رابطه عاطفی منتهی میشود مانند رابطه با خانواده و دوستان نزدیک تاثیر بیشتری بر احتمال وقوع رفتار بزهکارانه از سوی کودک یا نوجوان خواهد داشت. برای تحلیل اثرات این پیش فرضها میتوان به صورت مجزا تاثیر عواملی مانند خانواده بزهکار یا گروههای دوستانه بر ارتکاب رفتار مجرمانه را مورد تحلیل قرار داد در واقع نظریه معاشرت ترجیحی آنطور که برخی از مخالفان این نظریه ادعا کرده اند، ارتباط میان معاشرت با گروههای دارای ارزش بزهکارانه با وقوع رفتار مجرمانه را به طور مستقیم مطرح نساخته است، به عبارت دیگر اینکه معاشرت تاثیر دارد یا ندارد در نظریه معاشرت ترجیحی به نوع ارتباط و چگونگی ارتباط فرد با گروه باز می گردد، بنابراین اینکه به عنوان مثال در یک خانواده با زمینه ارتکاب جرم و دارای افراد بزهکار برخی از اعضای آن اقدام به ارتکاب جرم نموده و برخی دیگر رفتارهای مجرمانه بروز نمیدهند نمی تواند انتقاد مناسبی نسبت به نظریه معاشرت ترجیحی



باشد زیر نظریه مذکور ارتباط در گروههای کوچک را به عواملی نظیر نوع و مدت ارتباط و حدود درگیری عاطفی فرد با گروه ربط می دهد.

#### ۴- بررسی نقش مدرسه در انتقال بزهکاری

یکی از محیطهایی که فرد به طور اتفاقی در آن حضور می یابد محیط مدرسه است. در محیط مدرسه، همسالانی حضور دارند که ساعات مشخصی از روز را در کنار یکدیگر میگذرانند و همین عامل موجب تاثیرپذیری و تاثیرگذاری آنها از یکدیگر می شود. کودک تحت تاثیر همه عواملی که در محیط اطراف مدرسه وجود دارد رشد کرده و از همه عواطف، واکنشها حالات مزاجی، مدرسه، معلم و دوستان تاثیر می پذیرد. خانه شاو مانا در تحقیقی که در شهر سنندج در سال ۱۳۹۸ انجام شده است نتایج آن نشان دهند که محتوای آموزشی فعالیت مشاوران و معلمان در مدارس فوق برنامه مدارس و سخنرانی و تعامل پلیس با مدارس میتواند مانعی بر سر راه بزهکاری باشد.

(یعقوبی، ۱۳۹۵: ۵۷) در تحقیق خود نشان میدهد که توجه به شخصیت عدم تبعیض، شاگردان همکاری با آنها استفاده از دروس عملی و وسائل کمک آموزشی متکلم وحده نبودن معلم و استفاده از مددکاران اجتماعی و مشاوران دلسوز در امر تعلیم و تربیت، کودکان بر بزهکاری تاثیر می گذارد (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۵) نشان می دهد که استفاده از آموزش در دوران کودکی و دوران رفتن به مدرسه، بدلیل مداومت و آگاهی بسیار بالای دانش آموزان برای فراگیری مطالب جدید در یادگیری جرم بسیار حایز اهمیت است.

رجبی پور (۱۳۸۸) نیز بر این باور است که مواردی نظیر پیشگیری اجتماعی رشد محور در قالب تعامل پلیس با آموزش و، پرورش ارائه آموزشهای و آگاه سازی با روشهای متفاوت به دانش آموزان از سوی، پلیس همکاری و روابط اولیای دانش آموزان اولیای مدرسه با پلیس و ... در پیشگیری از بزهکاری تاثیر گذار است.

در تحقیقی که توسط علیوردی نیا و ستاره در سال ۱۳۹۲ در شهر مشهد انجام شده است، نشان می دهد که بر اساس یافته های پژوهش اعتقادات دینی در میان، پسران خیلی در پیشگیری از بزهکاری موثر بوده است. در صورتی که در میان دانش آموزان دختر پیوند افتراقی خیلی موثر بوده است باورهای مذهبی بر بعد تخریب اموال سرقت، تخلفات منزلتی، و مصرف مواد تاثیر گذار است. در مورد بعد خشونت نیز پیوند افتراقی بیشترین تاثیر را دشاته است. صادقی فرد در سال ۱۳۸۹ بر روی نوجوان بزهکار پسری که در زندان بیرجند به سر می بردند مطالعه کرده است و نشان می دهد که نابسامانی، خانواده همسالان و فقر خانواده با بزهکاری در ارتباط هستند. احمدی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که وابستگی به دوستان مذهبی بودن و استفاده از رسانه های جمعی با بزهکاری در ارتباط هستند و همسالان در تقویت بزهکاری بیشترین تاثیر را دارند. طالب زاده نوبریان و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله خود اظهار میدارد که که جو اجتماعی مدارس با پرورش مهارت های اجتماعی در ارتباط است. بر اساس آمار و ارقام غیر رسمی دامنه و رنج سنی مصرف مواد مخدر در میان دانش آموزان به کمترین میزان خود رسیده است که همین امر نیز دال بر تاثیر گذاری محیطهای آموزشی و مدرسه ای بر بزهکاری و گرایش به چنین رفتارهایی است.

#### ۵- عوامل اجتماعی قتل های خانوادگی

##### الف) ناپهنجاری خانوادگی

خانواده از جمله عوامل اساسی شکل گیری شخصیت و منش فردی و اجتماعی کودک است. از دیدگاه کودک، والدین مهمترین و ارزنده ترین الگوهای جهان هستند کودک به موازات فراگیری زبان و نمود ارتباط با محیط و اعضای خانواده و جامعه آداب و رسوم و خلیات خانواده خود را کسب می کند و آنها را جزء شخصیت و منش خود می سازد رفتار خشونت آمیز والدین در خانواده با کودک و نیز با همدیگر، این عقیده نادرست را در ذهن کودک بارور میسازد که در جامعه هم خشونت و جدال حلال مشکلات است. به نظر جرم شناسان خانواده از جمله محیطهای اجتناب ناپذیر و نخستین کودک است. خانواده های بزه پرور دارای این ویژگیها می باشند:

۱- رایج بودن بزهکاری و میگساری

۲- طلاق یا مرگ یکی از والدین از هم پاشیدگی خانواده

۳- عدم مراقبت کافی از فرزندان به دلیل جهل یا تعمد والدین.

۴- نامطلوب بودن فضای خانواده تبعیض، افراط و تفریط، خشونت .

۵- تفاوت و گونه گونی زیاد خانواده از نظر نژادی و مذهبی

۶- مشکلات مالی بیکاری

۷- محرومیت اقتصادی و فقر

فقر و بیکاری نداشتن شغل مناسب و کمبودهای فرهنگی در رفتار فرد اثر مهم دارد و نقش عمده در وقوع جرم قتلهای خانوادگی، قانون شکنی و ناهنجاریها دارد فقر انسان را به زبونی تباهی گناه و جنایت می کشاند ایمان و عاطفه را میگیرد و در نتیجه او را با جامعه ناسازگار ساخته و به سوی بزه کاری سوق میدهد بنابراین عامل اقتصادی، فقر بیکاری اشتغال نامناسب و پایین بودن میزان درآمدها، از عمده ترین عوامل موثر در گرایش به کج روی و بروز قتلهای خانوادگی میتواند باشد. امروزه این نظر در میان جامعه شناسان وجود دارد که افزایش آسیبهای اجتماعی معلول تحولات عمیق در زیرساخت های اجتماعی و اقتصادی و مانند آنها است. در مورد رابطه قتلهای خانوادگی با شرایط اجتماعی، میان جامعه شناسان اختلاف نظر وجود دارد مطالعه اجمالی تاریخ نشان میدهد که آدمی در هر شرایط و موقعیتی به منظور بقای موجودیت خود در تلاش برای کسب امکانات مادی بوده است از این رو، مسئله تأمین معاش در معنای عام کلمه از مهمترین مسائل زندگی محسوب شده است. فقر و محرومیت زائیده روابط ناسالم و نیز غیر عادلانه نظام اقتصادی حاکم بر جامعه است. مطالعه متون اسلامی نشانگر تأکید تأثیر فقر و محرومیت در ناهنجاریهای روانی و انحرافات و تبهکاری هاست حضرت علی (ع) فقر را موت اکبر و دیوار کفر معرفی نموده است. بنابراین فقر و محرومیت میتواند موجب نابسامانی ها و افزایش جرائم، بخصوص قتل های خانوادگی گردد. (دورکیم، امیل، ۱۳۸۷: ۶۹)

ب) محیط

محیط مجموعه ای از عوامل بیرونی است که انسان را احاطه نموده و بر زندگی انسان تأثیر تربیتی می گذارد. محیط هر شخصی عبارت است از مجموع عوامل اشیا و حوادث و اتفاقاتی که در اطراف و اکناف او واقع میشود. نظیر: محیط خانوادگی محیط، آموزشی محیط کار.... از جمله عواملی که فرد را به کج روی در مراحل نوجوانی و جوانی تسهیل میکند ذخیره سازی تجارب تلخ و ناخوشایند دوران اولین زندگی است. گذر عمر به مثابه جریانی به هم پیوسته، مراحل و مقاطعی دارد که مراحل قبل در شکل گیری و جهت

گیری مراحل متأخر نقش تعیین کننده دارد. خانواده به عنوان سلول تشکیل دهنده پیکره جامعه، نقش اساسی در سلامت جامعه و پیشگیری و درمان انواع انحرافات و کج روی ها دارد خانواده متزلزل و متلاشی به مثابه یک سلول سرطانی است که نقش تولیدی و کنترلی خویش را به خوبی ایفا نمی کند و باعث به وجود آمدن غده های سرطانی میگردد که سرانجام تمام پیکره بدن را آلوده و متلاشی خواهد کرد. خلق و خوی نیک پدر و مادر رأفت و مهربانی خانوادگی نبود انحرافات اخلاقی در پدر و مادر، فراهم بودن زمینه تربیت صحیح نمونه ای از فراهم بودن محیط سالم است بی مهری والدین نسبت به فرزند نقش مهمی بر بزهکاری فرزندان خردسال و بزرگ سالان دارد مبتلا بودن پدر و مادر به مسکرات و شراب و انواع مواد مخدر... چگونگی برقراری ارتباط جنسی بدون رعایت جوانب سوء آن، در تربیت ناسالم افراد نقش مهم دارد.

### ج) تبعیض و نابرابری در اعمال قانون

از نظر جرم شناسان یکی دیگر از عوامل اجتماعی قتل‌های خانوادگی ، نابرابری در اعمال قانون است. اگر چه قانون اساسی همه افراد را در مقابل قانون متساوی الحقوق معرفی کرده است، اما جامعه در عمل شاهد و ناظر عملیات و جرائم سنگین برخی افراد ذی نفوذ است بدون آنکه مورد تعقیب قرار بگیرند. بعضی از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی با استفاده از موقعیتها و نیرنگ ها بسیاری از منابع را به خود اختصاص داده و مرتکب سوء استفاده مالی می.گردند اینان به نحوی از زیر بار قوانین مالیاتی شانه خالی می کنند و مرتکب تقلب در دفاتر مالیاتی میشوند. در جرم شناسی به این مجرمان «جنايتکاران یقه سفید» می گویند. (عبدالهی، ۱۳۸۱: ۱۰۹)

### د) تأثیر جنگ در افزایش جرائم

بحران جنگ از جمله عوامل اجتماعی قتل‌های خانوادگی است که جرم شناسان و جامعه شناسان درباره تأثیر آن متفق القولند و برای توجیه آن دلایلی را ذکر نموده اند وجود موقعیت‌های نامناسب اقتصادی - اجتماعی از قبیل جیره بندی مواد، غذایی تثبیت آمرانه قیمت‌ها و بازار سیاه برخی کالاهای ضروری، جرائم را افزایش میدهند. لطمات و صدمات وارده مقاومت افراد را در مقابل وسوسه های نفسانی کاهش داده، سبب بروز جرم میگردد. (قرایی، ۱۳۷۹: ۶)

### نتیجه گیری

همانطور که گفتیم خشونت و قتل های خانوادگی از مسائل بسیار هولناک و فاجعه باری است که ممکن است در یک جامعه رخ بدهد زیرا کشتن اعضای خانواده توسط یکدیگر عملاً به هیچ عنوانی قابل توجیه و توضیح نیست ولی امروزه متأسفانه در همه جوامع من جمله جامعه ایران شاهد وقوع و رخ دادن آن هستیم که دلایل مختلف و متعددی برای آن وجود دارد از عوامل روانشناختی ، اجتماعی تا اعتیاد و... در این بین یکی از نظریات بسیار مهم و مقبولى که در این باره وجود دارد نظریه معاشرت های ترجیحی دکتر ساترلند می باشد ، در این نظریه ، ساترلند علت بزهکاری را حاصل ارتباط و آموزش از محیط اطراف می داند و به نوعی رفتارها و محیط اعضای خانواده و خانواده مانند : محیط نا امن خانواده ، وجود تنش در بین اعضای خانواده ، اعتیاد ، فقر ، عدم وجود روابط سازنده و موثر در بین اعضای خانواده و همچنین محیط ناسالم جامعه همنشینی و معاشرت با افراد بزهکار و... عامل و دلیلی برای بزهکاری افراد و وقوع قتل های خانوادگی می داند . این نظریه تاحد زیادی درست است زیرا جرم پدیده ای است که تا حد زیادی با آموزش و یادگیری و همچنین خلاء های تربیتی ، عاطفی و... بوجود می آید و یک شخص بزهکار معمولاً بنابراین دلایل و علل است که مرتکب بزهکار می شود و شخصیت سالم و مثبت خود را با یک شخصیت منفی ، ناسالم و بزهکار عوض می کند .البته در این بین باید گفت که انتقاداتی نیز بر نظریه معاشرت های ترجیحی ساترلند وارد شده است اما به جرات می توان گفت که کارآمد

ترین و مناسب‌ترین نظریه در بین سایر نظریه‌های جرم‌شناختی نظریه ایشان زیرا حتی پیش از ایشان در آیات قرآن، روایات و احادیث و حتی در ادبیات فارسی، اشعار و داستان‌ها به همنشینی خوب، حسن اخلاق و معاشرت صحیح با مرد تاکید شده است. باتوجه به مطالب پیش گفته، دو معیار برای پیشگیری از انحراف پیشنهاد می‌شود:

معیار نخست آموزش می‌باشد؛ یعنی برای اینکه فضای حاکم بر محیط‌های مجرمانه به سمت و سوی قانون سوق داده شود و فرهنگ مجرمانه کاهش یابد باید افراد و از جمله خانواده در معرض آموزش قرار گیرند، این آموزش در مورد کودکان نقش کلیدی ایفا میکند زیرا از آنجا که شخصیت کودک به طور کامل شکل نگرفته آموزش او می‌تواند نتایج بهتری در نهادینه کردن قانون در وجودش داشته باشد؛ بحث پیشگیری رشد مدار نیز ناظر به همین مطلب می‌باشد. بنابراین محیط اجتماعی اقتصادی خانواده و مدرسه نقش مهمی در آموزش و پرورش کودک دارد. معیار دوم اینکه قوانین باید به گونه‌ای جعل شود که در نظر مردم به عنوان ابزاری برای تحقق عدالت تلقی گردد. زیرا اگر افراد قانون را وسیله اجرای عدالت بدانند باعث رشد روحیه قانونگرایی در جامعه خواهد شد و با پدیده نقض قانون مواجه نخواهیم بود علاوه بر مسأله جعل، قانون اجرای دقیق قانون نیز از معیارهای بسیار تأثیرگذار در گرایش آحاد جامعه به قانون و قانونگرایی می‌باشد و این یعنی همان جلوگیری از بروز رفتارهای مجرمانه.

## منابع و مآخذ

- احمدی، حبیب(۱۳۹۲) «جامعه‌شناسی انحرافات» چاپ ششم تهران: انتشارات سمت.
- ارشدی ایمان، ۱۴۰۰، رابطه اعتیاد و اختلالات روانی، اعتیادپژوهی سال چهاردهم بهار ۱۳۹۹ شماره ۵۵-۲۱۳-۲۲۸.
- امیل دورکیم، ۱۳۸۷، درس‌های جامعه‌شناسی، انتشارات نی تهران
- ستوده، هدایت الله (۱۳۹۲) آسیب‌شناسی، اجتماعی، تهران آوای نور، چاپ بیست و یکم.

-عبداللهی، منوچهر پور، حسینی محمد جواد (۱۳۹۴) بازخوانی مؤلفه‌های محیطی جرم را در بزهکاری کودکان مطالعات علوم سیاسی حقوق و فقه سال اول، شماره ۱.

-غلامی محمدرضا، ۱۳۹۶، آسیب‌های خانواده در پیرو نظریه‌ی ساترلند، مجله: تغییرات اجتماعی - فرهنگی «پیش شماره ۲» ۱۰ صفحه - از ۴۳ تا ۵۲

-محمدرضا کرم پور، ۱۳۹۹، امیر حسین رضایی، خشونت‌های خانگی، مجله: حقوق زنان «بهمن ۱۳۸۱» - شماره ۲۳

-هاشم‌لو جعفر، ۱۴۰۱، روانشناسی به زبان ساده، مجله اینترنتی روان و سلامت.

-یحی زاده حسین، ۱۳۹۶، خشونت خانگی علیه زنان، انتشارات آوای نور.

**Title of the article:**

**Analyzing family murders with emphasis on Sutherland's theory of preferred associations**

**Name and surname of the first author:**

**Masoumeh Jalili Jetani**

**Master's student in Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, South Tehran Branch**

**abstract**

Family murders are one of the most important and big problems that may occur in a society because the family is one of the most important and basic institutions of a life, and in other words, it can be said that the family plays an important role in the formation and growth of a society. And to the extent that the level of peace, prosperity, freedom, and literacy in a family is higher, the output of that family, which is the growth and upbringing of children, will also be beneficial, and the society will be far healthier and far from crime and murders. Felony is one of the crimes committed by one or more family members against one or more other family members for various reasons, including poverty, addiction, delinquency, wrong upbringing of children, false cultures, honor and gender issues, etc., in this research, we aim to identify and analyze the factors, reasons, roots and contexts of this category of crimes, and also provide appropriate solutions to prevent the commission of these crimes. Sutherland is one of the theorists and scientists of criminology and criminology. In the theory of preferred associations, he investigates the effect of communication with others and associations with others in order to commit crimes. In the commission of this category of crimes, it is against family members and to verify whether according to the theory of preferential association with others, it can be the reason for committing family murders or not. In this research, using the library method, We have collected data by referring to books, articles, theses, and then we have prepared a checklist of data and analyzed them with a descriptive-analytical method. we put

**Key words:** murder, progressive associations, Sutherland, analysis, criminal policies